



در روزگاران قدیم، جنگی میان ایران و یکی از کشورها درگرفت. فرمانده سپاه دشمن، نزد فرمانده سپاه ایران آمد. او کیسه‌ای پر از ارزن با خود آورده بود. وقتی به ملاقات فرمانده سپاه ایران رفت، سرکیسه را باز کرد و ارزن‌ها را روی زمین ریخت و گفت: «سپاهیان ما مانند دانه‌های ارزن بسیارند و در اندک زمانی به شما حمله‌ور می‌شوند.»

فرمانده سپاه ایران وقتی این صحنه را دید، کمی اندیشید و دستور داد؛ خروسی آوردند و کنار ارزن‌ها گذاشتند.

خروس فوراً مشغول خوردن ارزن‌ها شد.

فرمانده سپاه ایران رو به فرمانده دشمن کرد و گفت:

«دیدی که خروس ایرانی چه بر سر ارزن‌های شما آورد!»

